

بهای گزاف و سنگینی که زن و مرد کنونی برای  
انطباق با تمدن غول‌آسای قرن بیستم می‌پردازند

احمد بهشتی

## اگر انگیزه‌های طبیعی ارضا نشود...

سیستم زندگی حیوانات و انسان براساس دوجنسی تثبیت شده جنس زن و جنس مرد. درگفتارپیش دیدیم که حداقل تفاوتی که میان این دو جنس وجود دارد، درپاره‌ای از انگیزه‌هایی است که میان آنها مشترک نیست. مردانگیزه پدری دارد و زن انگیزه مادری طبیعی است و انگیزه پدری طبق نظریات ابراز شده به احتمال قوی اکتسابی.

در صورتی که انگیزه پدر اکتسابی باشد می‌شود مرد را طوری پرورش داد یادر شرایطی گذاشت که بدون این انگیزه بار بیاید و یا انگیزه کسب شده از وی گرفته شود و بهر حال دروضع طبیعی او تاثیری نخواهد داشت اما اگر طبیعی باشد در صورتی که ارضا نشود به وضع طبیعی مرد لطمه وارد شده مسلماً تبدیل به جنسی می‌گردد که نمی‌شود او را مرد کامل عیار نامید. داوری در باره این مطلب را به عهده‌روانشناسان می‌گذاریم آنها باید این مسئله را روشن کنند که آیا انگیزه پدری طبیعی است یاخیر. اصولاً هر موجود زنده‌ای دارای یک سلسله انگیزه‌های طبیعی هست، ریشه‌ء انگیزه‌های طبیعی‌رانی‌شود در نهاد او بطور کلی قطع کرد. کاری که ممکن است صورت گیرد این است که انگیزه را تحت تأثیر پاره‌ای از شرایط قرار داده از ارضا آن جلوگیری کنیم اینجاست که حالت مختلفی پیش می‌آید درپاره‌ای از موارد موجود به‌کلی ازبین می‌رود و مثلاً انگیزه گرسنگی و تشنگی اگر ارضا نشود به قیمت حیات موجود زنده تمام می‌شود.، گرچه ممکن است مدتی در برابر گرسنگی و تشنگی مقاومت کند مثلاً در برابر

گرسنگی تا ۲۵ روز و در برابر تشنگی مدتی بسیار کمتر. زیرا نیاز ارگانیزم به آب خیلی بیشتر از غذاست  $\frac{۳}{۴}$  بدن موجود زنده را آب و  $\frac{۱}{۴}$  آنرا مواد دیگر می سازد بعلاوه بدن در موقع گرسنگی مدتی از ذخائر موجودات و رسوبات استفاده می کند و به کار و فعالیت خود ادامه می دهد.

هرگاه مدت گرسنگی و تشنگی آنقدر طولانی نباشد که منجر به مرگ شود اثرات دیگری پدید می آید آزمایش نشان می دهد که افراد گرسنه بطور کلی تغییر وضع داده اند آنها از نظر اخلاقی و مذهبی و کلیه جنبه های اجتماعی و فردی دگرگون شده اند.

" در دانشگاه مینسوتا در آمریکا عده ای را داوطلبانه به مدت ۶ ماه در شرایط گرسنگی قرار دادند تقریباً  $\frac{۱}{۵}$  وزن بدن آنها تقلیل یافت و افکار آنها تحت تاثیر اندیشه های غذا قرار گرفت. علاقه مندی آنان منحصر به محاوره درباره غذا، صرف غذا، طبخ و غیره شد، در ضمن هرگونه فعالیتی که بخوبی با مساله غذا ارتباط نمی یافت وسیله آزمایش شوندگان دنبال نمی شد، هر قدر قحطی زدگی ادامه یافت سکوت و عدم تحرک بیشتری بر افراد مستولی می گردید. اغلب از پیری زودرس شکوه می نمودند تمایلات جنسی آنها کاهش یافت از نظر اجتماعی احساس سوء ظن شدید نسبت به دیگران و اطرافیان ظاهر ساختند تمایل به شوخ طبعی و لطیفه گوئی از میان رفت بطور خلاصه تمام زندگی و وجود آنها تحت تاثیر غذا قرار گرفت اغلب داوطلبان رویاهایی درباره شکستن رژیم خود و صرف اغذیه لذیذ داشتند یکی از آنان از انبار غذا دزدید دیگری در قالب استعاره و علامات، عشق خود را به غذا ابراز داشت رفتار آزمایش شوندگان از این جهت جالب بود که نشان می داد تحت تاثیر خاص گرسنگی منطق و عقل بتدریج زایل می گردد زیرا این افراد از لحاظ اصول اخلاقی و مذهبی بسیار محکم بوده هرگز تصور دزدیدن چیزی را در حالت عادی و طبیعی در مخیله خودشان نمی پروراندند.

بنظر روانشناسان، انگیزه تشنگی نیز از بسیاری جهات، مخصوصاً از نظر رفتار حاصله شباهت به انگیزه ی گرسنگی دارد انگیزه جنسی را نمی توان قویتر از انگیزه تشنگی و گرسنگی دانست زیرا مسلماً کسی که دچار گرسنگی و تشنگی باشد بهیچ وجه فرصت اینکه توجهی به انگیزه جنسی پیدا کند ندارد، همچنانکه انگیزه جنسی هم مجالی برای خودنمایی پیدا نمی کند. اما تردیدی نیست که انسان یا حیوان در حال عادی و سیری تحت تاثیر انگیزه جنسی قرار می گیرد و در بعضی از شرایط حتی ممکن است انگیزه های تشنگی و گرسنگی او را تحت تاثیر قرار دهد. مشروط بر اینکه دچار

کمبود انرژی نباشد.

بنظر برخی از روانشناسان هدف نهائی انگیزه رفع نیازهای جسمانی و ایجاد آرامش است انگیزه می‌خواهد شخص را به آرامشی که قبل از آشفتنی‌های ناشی از فزایندهای هیجان‌آور وجود داشته برگرداند انگیزه گرسنگی می‌خواهد فرد به حال آرامش فیزیولوژیک و روانی برگردد هدف انگیزه جنسی رهائی از هیجان است کوشش انگیزه این است که اسباب بازگشت به وضع پیشین را فراهم کند. این گرایش انگیزه که نوسان از هیجان به آرامش را بطور مکرر ادامه می‌دهد، تکرار اجباری می‌نامند. در زندگی روزمره شواهد زیادی از تکرار اجباری وجود دارد. یک نمونه آن مراحل متناوب و منظم فعالیت بیداری و بدنبال آن خواب است. . . . نمونه دیگر سه وعده غذا در روز و بازهم مثالی دیگر تمایلات جنسی و تشفی جنسی متعاقب آن است"<sup>۲</sup>

نتیجه اینکه عدم ارضاء انگیزه از ارگانیزم سلب آرامش کرده رفتار او را به‌طور کامل تحت تأثیر قرار می‌دهد. البته ایمان و تربیت اخلاقی و تقوی اراده انسان را در برابر انگیزه‌ها و اثرات آنها تقویت می‌کند اما نه اینکه اثرات طبیعی آنها را بکلی از بین ببرد شخص از راه روزه عادت می‌کند که تا حد زیادی بر انگیزه تشنگی و گرسنگی و جنسی و اثرات آنها غالب آید و اگرچه با تحمل ناکامیهای شدید توأم باشد قدم در راه بی‌عفتی و تجاوز به حق دیگران نگذارد. در عین حال بهتر از هر چیز ارضاء مشروع انگیزه‌هاست. و پیشوایان دین می‌فرمایند " مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أَحْرَزَ نَصْفَ دِينِهِ " هرکس ازدواج کند نیمی از دین خود را حفظ کرده است. ما اگر از اصالت سکس فروید، چشم بپوشیم باید این اندازه به او حق بدهیم که (عدم ارضاء غریزه جنسی نفوذ قابل ملاحظه‌ای روی رفتار آدمی دارد).<sup>۳</sup>

این مطلب درباره انگیزه مادری - که هم طبیعی است و هم قویترین انگیزه‌ها - است بیشتر صادق است. در این باره یونگ که از دوستان فروید بود و همکاری فکری زیاد با او داشته و زیر بار اصالت سکس وی - که حتی خود فروید هم از انتساب چنین عقیده‌ای به خود بیزار بوده نرفته، سخن جالبی دارد، او نیمه اول زندگی انسان را به صبحگاه و نیمه دوم را به پس از نیمروز تشبیه کرده و می‌گوید

" آنچه که مناسب، بامداد زندگی است، برازنده پس از نیمروز نمی‌باشد مرد جوان نیازمند است که خود را در زندگی مستقر سازد، همسر متناسبی بیابد و خانواده‌ای فراهم آورد. زن جوان باید زناشوئی کند، کودکانی داشته باشد و الزامات موقعیت اجتماعی خویش را بد جای آورد."<sup>۴</sup>

نیمه اول زندگی گذرگاهی است که باید بطور طبیعی طی شود ، مسلمانان نیمه اوجی دارد که پس از رسیدن به آن خورشید زندگی در سراسیمگی قرار گرفته و آرام آرام افول کرده ، ناپدید می شود کسی که این نیمه را درست طی نکند ، هرگز به اوج آن نمی رسد و طبیعی است که نیمه دوم بلکه همه وجودش فدای نیمه اول شود و به تعبیر دیگران در همان نیمه اول خلاصه می گردد .

آنها که بطور طبیعی به نیمه دوم می رسند این فرصت و استعداد را دارند که به قول یونگ به یافتن هدف و مفهوم جدیدی برای حیات بپردازند ولی تاسف در این است که بسیاری از مردم نمی توانند با چنین امکانی روبرو شوند و ترجیح می دهند که خود را به ارزشهای جوانی بچسبانند و آنها را حتی به نحو اغراق آمیزی ادامه دهند .<sup>۵</sup> تمدن طلائی قرن بیستم را باید منشاء و مقصر اصلی از دست رفتن چنین امکانی دانست این غول مخوف که سیرت دیو و صورت فرشته دارد ، همه نیمه اول عمر اکثر آدمهارا برباد داده و هم نیمه دوم را ، تمدن قرن بیستم جنایتکاری است که روز به روز نیرومندتر شده ، در راه نابودی آدم ها تلاش خود را گسترده تر می سازد ، معلوم نیست این جنایتکار در کدام دادگاه باید محاکمه و به چه کیفی گرفتار شود ؟ اکنون آنها که راهی بدرون روان اسرارآمیز انسان گشوده ، پاره ای از اسرار وجود او را کشف کرده اند می فهمند که تمدن کنونی نیازهای طبیعی را ارضاء نکرده است آنها به خوبی آگاهند که انسان های کنونی دارند مسخ می شوند انسانیتی که باید برپایه سیستم دوجنسی راه خود را بسوی قله کمال طی کند و نیازهای طبیعی هر جنس را جداگانه برآورد ، معلوم نیست برای امروز و فرداهای خود چه طرحی تهیه دیده است ؟

- 
- ۱- اصول روانشناسی عمومی ص ۲۴۵-۲۴۴
  - ۲- مبانی روانشناسی فروید ص ۴۶-۴۴
  - ۳- اصول روانشناسی عمومی ص ۲۴۵
  - ۵و۴- مقدمه ای بر روانشناسی یونگ ص ۱۴۲-۱۴۱